

صلی الله علیک یا ولی العصر ادرکنا

سلام و تبریک عید.

گفتگوی خود را اینگونه شروع می کنیم.

من چند تا تصویر نشان می دهم و می خواهم شما اولین چیزی رو که به ذهنتون میاد بگید.

کاله

دوکا

تک

samsung

BMW

پارسیلا

زر ماکارون

Apple

Huwei

چرا شما بعضی از این نشان ها رو می شناسید و با آرم و لوگوی اون ها آشنا هستید ولی بعضی های دیگه رو حتی اسمشون رو هم نشنیدید؟!

چرا وقتی اسم BMW میاد، با اینکه شاید خودمون ازش استفاده نکرده باشیم، توی اینکه بهترین گزینه است شکی نداریم؟

چی باعث شده وقتی قراره یه گوشی رو به یه نفر معرفی کنیم Iphone رو پیشنهاد می دیم، هرچند که گزینه های مثل اون با امکانات مشابه هم وجود داره؟

چی می شه وقتی کاله یه محصول جدید می زنه، اون رو می خریم و امتحان می کنیم؟ چرا ما به کاله اعتماد داریم؟

دنای امروز عصر تبلیغاته، عصر فروش کالا. هر نوع کالایی. چه مادی و چه معنوی. محصول تجاری یا محصول فکری و عقیدتی. هرچی معرفی یه محصول بیشتر و بهتر اتفاق بیفته، اعتماد بیشتری در مخاطب ایجاد می شه و طرفدارهای بیشتری پیدا می کنه، در نتیجه میزان استقبال و استفاده از اون بیشتر و بیشتر می شه و میزان موفقیت بالاتر می ره.

این موضوع این قدر مهم و تاثیر گذاره که تبدیل شده به رشته دانشگاهی یا حتی مشاغل پر درآمدی در زمینه تبلیغات و بازاریابی به وجود اومده.

پشت هر تبلیغی، کلی فکر و ایده هست تا بتونه مخاطب بیشتری رو جذب کنه. این ایده ها یا عقل مخاطب رو درگیر می کنه، یا احساس یا کودک درون اون رو. هر قدر یه ایده بیشتر بتونه یکی از این سه فاکتور رو درگیر کنه، موفق تر و تاثیر گذارتره.

ما از صبح که از خواب بلند می شیم تا شب، داریم تبلیغ می کنیم و این کار رو هم ناخواسته انجام می دیم. با لباسی که می پوشیم، مکالماتی که در تلفن هامون استفاده می کنیم، جاهایی که می ریم و از همه مهم تر کارایی که انجام می دیم. به همین نسبت خودمون هم در حال تبلیغ شدن هستیم.

گاهی وقت ها مدت زیادی طول می کشه تا بر اثر تبلیغ یه فرهنگ ایجاد شه و البته در دراز مدت هم باقی بمونه و اثرش از بین نره. مثلا یادتونه چقدر برای بستن کمر بند ایمنی تبلیغ شد، چقدر مخالفت بود و در نهایت این فرهنگ به وجود اومد و الان هم همه ما به سادگی اون رو پذیرفتیم.

بذارید یه مثال دیگه بزنم. یه مدتی همه جا نوشته بود فرزند کمتر، زندگی بهتر! این پیام اثر کرد ولی الان که ما با خطر جمعیت پیر روبرو شدیم دوباره یه تلاش دیگه شروع شده تا پیام جدیدی در جامعه اثر کنه.

گاهی وقت ها هم این تبلیغات این قدر صریح و ساده نیستند. ما اصلا متوجه نمی شیم که مورد تبلیغ قرار گرفتیم. به عنوان مثال: سیگار وینستون ...

این نوع آخر، یعنی رسوندن غیر مستقیم یه پیام، می تونه خیلی خیلی خطرناک باشه. فکر می کنید چرا؟

پیام غیر مستقیم وارد ناخودآگاه ما می شود و ما بدون اینکه متوجه باشیم مطابق خواسته اون پیام عمل می کنیم.

حتما شما بین اقوام و دوستان خودتون بچه کوچیک دارید. شنیدید می گن جلوی بچه حرف زشت نزنید؟ چون اون ناخودآگاه از رفتار شما کپی برداری می کنه، بدون اینکه بدونه این کار زشته. اون بچه نمی فهمه که شما دارید یه رفتار زشت رو یاد اون می دید. اون چون شما رو می شناسه و به شما اعتماد داره، پس رفتار زشت شما رو زشت نمی دونه.

وقتی ما فردی رو از طریق رفتارمون به کاری دعوت می کنیم، اثرش خیلی بیشتر از وقتی است که با گفتارمون این کار رو انجام بدیم.

تا حالا این جمله رو شنیدید: بچه های ما اونی می شن که ما هستیم، نه اونی که ما می گیم! هر قدر من بگم دروغ بده ولی دروغ بگم، بچه من دروغگو می شه چون رفتار منو می بینه.

حالا از همین مثال ها تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

واقعیت اینه که همه زندگی ما همین جور می تونه تحت تاثیر قرار بگیره. خوراک و پوشاک و تفریحات و دوستی ها و ارتباطات اجتماعی و حتی اعتقادات. اصلا بعضی تبلیغات، انگشت روی اعتقادات ما گذاشتن. مثلا حرف هایی که به ظاهر خوب و درست هستند، غافل از اینکه اعتقادات ما رو زیر سوال می برند.

در چنین دنیایی که همه دنبال عرضه محصولات تجاری و فکری خود هستند و می خواهند بیشترین سلطه رو داشته باشند، دنیایی که برای فیلم و کتاب و حتی اسباب بازی های بچه ها ساعت ها فکر و میلیون ها هزینه شده؛ ما می تونیم سه مدل عمل کنیم. یا اینکه خودمان رو رها کنیم و بشیم مثل عروسک خیمه شب بازی که هر گروهی یه نخ به دست و پای ما بسته و هر طور دوست داره هدایمون می کنند. یا اون قدر حواسمون رو جمع کنیم و اطلاعات داشته باشیم که بتونیم توی این دنیا خودمون نجات بدیم. حالت بالاتر و برترش هم اینه که از همین دنیایی که توش زندگی می کنیم استفاده کنیم و خودمون شروع کنیم به تبلیغ کردن و نه یک محصول مادی و نه یه فکر و مکتب بشری، بلکه حرف و خواسته خدا رو تبلیغ کنیم. چیزی که کاملا منطبق با طبع انسانی ماست و واقعا ما رو به خوشبختی می رسونه و بالاترین سودها رو برای ما داره.

اول از همه برای اینکه بتونیم هدف هر تبلیغی که به ما می رسه رو متوجه شیم و درست ترین عملکرد رو داشته باشیم، باید فکر کنیم و خودمون رو به اطلاعات درست مجهز کنیم. مثل یه کامپیوتر که ورودی های خودش رو پردازش می کنه و نتیجه رو اعلام می کنه، ما هم باید همین طور عمل کنیم و هر چیزی رو راحت نپذیریم بلکه اون رو با اطلاعات صحیحی که بر مبنای عقل و فطرت ماست محک بزنیم.

حالا بیایم اطلاعات خودمون رو بررسی کنیم. در دنیایی که همه تیشه گرفتن دستشون تا ریشه اعتقادات ما رو بزنند، ما به عنوان یک شیعه چقدر مجهز هستیم؟

اصلا شما به عنوان یک شیعه چه اعتقاداتی دارید؟ وجه متمایز و ویژگی منحصر به فرد یک شیعه چیه؟ (جواب)

همون طور که شما هم اشاره کردید در مکتب شیعه عقیده به یگانگی خدا، عقیده به نبوت و خاتمیت پیامبر، اعتقاد به جانشینان الهی برای پیامبر به عنوان نماینده خداوند در زمین و به ویژه عقیده به امامت حجت حی پروردگار (که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشند)، پایه و بنیان ایمانه و این ویژگی منحصر به فرد شیعه ست.

برای آشنایی با شیعه باید مفهوم حجت حی یا امام زمان رو فهمید.

شما فکر می کنید منظور از حجت حی که ویژگی اعتقاد یک شیعه است چیه؟

ما شیعیان معتقدیم که خداوند از ابتدای تاریخ بشر همواره کسانی را به عنوان نماینده زنده و برپادارنده براهین خویش در بین مردم برگزیده و به آنان علم و عصمت و قدرت ویژه عطا کرده. ما معتقدیم که از زمان حضرت ادم تا قیام قیامت هیچ گاه زمین از این پیشوایان عالم و معصوم خالی نبوده و نخواهد ماند. به تمام این عالمان برگزیده و معصوم در اصطلاح دین حجت خدا گفته می شود. منظور از حجت حی یا امام زمان آن حجتی است که در یک روزگار مشخص به عنوان جانشین پیامبر با همین غالب انسانی زنده و حاضر است.

کلمه شیعه در لغت به معنای پیرو است. در اصطلاح هم به کسی که گفته می شود که پیرو امام زمان خود باشد.

پس فاصله یک انسان با شیعه شدن در این حد است که امام زمانش را بشناسد و خود را در سایه ولایت او قرار دهد. این اصطلاح در تمام طول تاریخ وجود داشته و مثلا کسی که در زمان حضرت نوح پیرو ایشان بوده نیز به عنوان شیعه حضرت نوح شناخته می شده.

شیعه کامل کسی است که امام زمان خود را بشناسد و با ایشان به شکل قلبی، زبانی و عملی پیوند داشته باشد. یعنی حضور امام زنده در زندگی او کاملاً ملموس و مشخص باشد.

شیعه اعتقاد داره که باورهای او مطابق با کتاب و سنت و رضایت خدا ست و به خصوص بخش منحصر به فرد این اعتقادات، یعنی حجت حی یا امام زمان است که نجات بخشه.

ما گفتیم که در دنیای تبلیغات به سر می بریم و به طور خاص در عصر ما اعتقادات ما نشونه گرفته شده. یک سری از تبلیغات قصد نابودی باورهای ما رو داره و دسته دیگه می خوان باورهای جدیدی رو جایگزین اون کنن. مثلا حتما شنیدید که می گن با لاک هم می شه نماز خوند. چه اشکالی داره؟ زیارت عاشورا رو باید بدون لعن خوند! و مثال های دیگه از این دست. این ها بر اثر یه سری تبلیغات که به ذهن ما وارد شده.

حالا شما به من بگید که چگونه با بهره گرفتن از اعتقاداتمون و بهره گیری از دنیایی که درش هستیم، اعتقادات خودمون و بچه هامون رو حفظ کنیم و سالم نگه داریم؟ راه نجات چیه؟

ما معتقدیم خدا هیچ وقت بنده های خودش رو تنها و بدون پناه به جنگ مشکلات نمی فرسته. همیشه کسی روی زمین هست که وقتی از همه جا خسته و مستأصل می شیم می تونیم باهاش درد و دل کنیم و سبک شیم. ارزش کمک بخوایم و بهش پناه ببریم. کسی که از پدر مهربون تر و از مادر دلسوزتره. کسی که آغوشش برای ما بازه. همون حجت حی. امام زمانی که در زیارت آل یس به او اینطور سلام می دیم:

السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرحمه الواسعه

سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش فروریخته و فریادرس و رحمت فراگیر

تا کنون دقت کردید که در این قسمت دعا امام زمانمان را با چه ویژگی هایی می خوانیم؟؟ می دانید غوث یعنی چی؟

غوث مصدر یاری کردن و به فریاد رسیدنه. غوث نامی از نام های خداست به معنای فریادرس بندگان. همه ما خدا رو زیاد با این نام خونديم که یا غياث المستغيثين.

در بين همه معصومين به طور خاص لقب غوث و غياث به امام دوازدهم يعنى امام زمان ما حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه گفته شده.

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار از ابوالوفا شیرازی نقل می کنه که به دست یک عده ظالم دستگیر شده بودو اون ها قصد جان او رو کرده بودند. ابوالوفا به امام سجاد متوسل می شه و در عالم رویا پیامبر رو می بینه و حضرت امور مختلف رو برای او دسته بندی می کنند و می فرمایند که برای هر مشکلی به چه معصومی متوسل شه و در آخر با دستشون گلوی خودشون رو نشون می دن و می فرمایند: هر وقت شمشیر به گлот رسید از حضرت حجت استغاثه کن که او پشت و پناه و غياث است. ابوالوفا در همان لحظه به ایشان متوسل می شه و بعد از اینکه از خواب بیدار می شه بلافاصله او رو آزاد می کنند.

بگذارید ماجرای دیگه ای را تعریف کنیم:

شخصی به نام یاقوت در حله زندگی می کرد که مادرش شیعه و پدرش اهل تسنن بوده و خودش هم به کیش و آیین پدرش بوده. این فرد تعریف می کنه که در مسیری در بین راه همراهان خودش رو گم می کنه و تنها می مونه. در بیابون در حالت درموندگی و خستگی شروع می کنه متوسل شدن و کمک خواستن از خلفا اما نتیجه ای نمی بینه. یک دفعه یاد حرفای مادرش می افته که به او گفته بود: ما امام و پیشوایی داریم که حی و زنده است. کنیه او ابوالحسن و او گمشدگان رو راهنمایی می کنه و به داد درمونده ها می رسه. یاقوت نیت می کنه که اگر به اون امام استغاثه کرد و او به فریادش رسید، شیعه شه. بعد از استغاثه به امام زمان در همون موقع فردی رو کنار خودش می بینه که راه رو به او نشون می ده و او رو به آبادی می رسونه که همه شیعه بودند و سفارش می کنه که به دین مادرش دربیاد. یاقوت سوال می کنه که شما همراه من نمایید؟ ایشان می فرمایند نه، **چون هزاران نفر در اطراف شهرها از من فریادرسی خواسته اند و می خوام به فریاد اون ها هم برسیم.**

برای یاری خواستن و استغاثه به امام زمان هیچ زمان و مکان خاصی تعیین نشده. فقط کافی است وقتی به شدت و سختی گرفتار شدی، متوجه اون حضرت بشی.

در ادامه همون سلام زیارت آل یس ایشان رو **رحمت واسعه** می خونیم.

در این که هرکدام از ائمه مظهر رحمت الهی هستند شک نیست. اما جالبه بدونید در هیچ جایی از ادعیه و زیارات و روایات نشانی از لقب رحمه واسعه نسبت به غیر ذات الهی یافت نمی شه مگر در همین زیارت آل یس و نسبت به وجود مقدس امام زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری. بنابراین می شه این لقب رو از القاب خاص حضرت به حساب آورد و معنایش اینه که اون وجود مقدس نفس رحمت واسعه خداست.

و خوب است که بدانید لقب رحمه للعالمین هم فقط به دو نفر از معصومین مختص شده یکی پیامبر خاتم صل الله علیه و آله وسلم و دیگری امام زمان عجل الله تعالى فرجه.

در حدیث لوح یعنی همان لوحی که خداوند به حضرت زهرا سلام الله علیها هدیه می دهد و در آن نام تمام ائمه علیهم السلام با چند ویژگی خاص آن بزرگواران ذکر شده است. (که بسیار جالب و قابل توجه است و پیشنهاد می کنم حتما یکبار هم که شده مطالعه فرمایید.) خداوند حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه رو این گونه معرفی می کنه:

ثم اکمل ذلک بابنه رحمه للعالمین علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب

سپس مقام جانشینی رو به فرزند حضرت عسکری علیه السلام که رحمت برای جهانیان و دارنده کمال موسی و هیبت عیسی و و صبر ایوب است تکمیل می کنم.

بنابراین برنامه ریزی الهی برای نجات بندگان در هیاهوی عصر و دنیای ما اینگونه است که باید پناه ببری به کسی که خدا او رو پناه بندگان خودش قرار داده و علم و قدرتی از جنس علم و قدرت خودش به او داده و او را موجب رحمت و لطف خودش به ما معرفی کرده.

حالا که با گوشه ای از خصوصیات امام زمان آشنا شدیم ببینیم چطور می تونیم از علم تبلیغات استفاده کنیم و امام زنده و استثنایی خودمون رو به دیگران و همچنین به خانواده و فرزندانمان معرفی کنیم؟

چطور می تونیم فرزندان و نسل آینده رو به گونه ای تربیت کنیم که امام زنده خودشون رو بشناسند و به سمت او گرایش داشته باشند؟ (جواب)

اولین قدم همان شناخت و ارتباط و پیوند دائمی خودمان با امام زنده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. همان طور که قبلا هم اشاره کردیم فرزندان ما همان گونه ای می شوند که ما هستیم نه آنگونه که ما می خوایم. پس در درجه اول خودمون باید عامل باشیم. این از اصول اولیه تبلیغات و بهترین نوع آن است. و همینطور موثرترین شیوه تربیت.

مثلا وقتی فرزندان ما ببینند که ما برای سلامتی امام زنده مان صدقه می دیم و یا همیشه در مشکلات و سختی های روزگار او را صدا می کنیم و خود را در پناهش قرار می دهیم. شاید براشون سوال ایجاد شه و ما با جواب دادن می تونیم این رفتار رو در اون ها هم شکل بدیم. همان گونه که می دانید این بهترین شیوه آموزشی است که فرد خودش مشتاق دانستن باشه در حین اینکه عمل واقعی رو هم می بیند. وقتی کودک من ببیند من هر روز به امام زمانم سلام می دهم، این زنده بودن و حاضر بودن امام رو بیشتر و ملموس تر در زندگی فرزند من نشان می ده.

در تبلیغات اینکه اون چیزی که قراره تبلیغ شه رو مرتب جلوی چشم قرار بدیم و اطلاعات رو به مرور ارائه بدیم منجر به جذب و توجه بیشتر می شود. همان طور که گفتیم ما مارکی را می شناسیم که بیشتر دیده و بیشتر در مورد آن شنیده باشیم و اطلاعات داشته باشیم.

برای دیدن چه کار می تونیم بکنیم؟؟

در روزگار قدیم در منزل افراد مذهبی همیشه تصویری از خانه کعبه و نام ائمه علیهم السلام دیده می شد. اما الان بدون اینکه متوجه شده باشیم تابلو ها از دیوار پایین اومده. یا دقت کنید به تصاویری که بر روی desktop های کامپیوتر و لپ تاپ و موبایل و ... قرار می دهیم. متأسفانه گاهی عکس افرادی رو می گذاریم که حتی نمی شناسیم. اگر من همیشه از تصاویری از اماکن مذهبی و یا اسم ائمه علیهم السلام که wallpaper های زیبایی هم در این زمینه ساخته شده به مناسبت های مختلف استفاده کنم یا عکس های آماده ای برای بلوتوث داشته باشم، فرزند من یاد می گیرد که اولاً از هر عکسی استفاده نکند و دوماً آگاهی هایی در زمینه امامان و مناسبت های مذهبی به دست میاره.

باید حس فرزندان خودمون رو تقویت کنیم به عنوان مثال امروز به مناسبت میلاد امام جواد علیه السلام شام پیتزا می خوریم. چه حس قشنگی در مورد آن روز و شخصیتی که به دنیا آمده در دل فرزندان ایجاد می کنید؟! و بعد در حین اینکه کودکان شروع کرده و مشغول لذت بردن از هدیه شماس با او صحبت کنید که می دانی امام جواد امام نهم ما هستند. فرزند امام رضا علیه السلام است که می ریم مشهد زیارتشون. کوتاه و حساب شده. از قبل فکر و مطالعه کنیم و در حد چند جمله به کودکان بیاموزیم.

این طوری به فرزندانمون نشون می دیم که هر روزی آداب و حس خودش رو داره. نه اینکه فرقی بین روز شهادت و میلاد نباشد.

اما همه مسئولیت ما در مورد خانواده مون نیست. گاهی باید از محدوده خانواده خودمون خارج شیم و شروع کنیم در مورد یگانه روزگار خودمان، امام زمانمان با مردم جامعه صحبت کردن در موقعیت های مختلف مثلاً در اتوبوس، آرایشگاه، میهمانی و هر جای دیگری که هستیم و با هر نقشی که در جامعه داریم. مثلاً معلم هستیم یا کارمند یا دانشجو یا ..

توجه کنیم که موقعیت گفتگو رو ما باید به وجود بیاریم. نگاه کنید آدم ها در اجتماع ما از هر چیزی با ارزش و بی ارزش صحبت می کنند. اما ما فراموش کردیم که امام یگانه روزگار خویش است. فراموش کردیم امام آب گوارای زمان تشنگی است. فراموش کردیم امام تنها

فریادرس است. ما بهترین رو کنار گذاشتیم. با همین تبلیغات کاری کردند که حتی خجالت بکشیم از او حرف بزنیم. کمی فکر کنیم و عاقلانه عمل کنیم. از خود امام زمان کمک بخواهیم که امام زمان من می خواهدم از امروز با خودم و شما عهد کنم که در مورد شما با مردم حرف بزنم. در دنیایی که هر کس محصول و فکر و عقیده خودش رو تبلیغ می کنه من هم قاصدکی بشم که از بهترین روزگار خودم یعنی از شما خبر می دهد. کمکم کنید.

هر روز و مرتب این رو بگیم. بذاریم تبلیغ امام زمان دغدغه زندگی ما بشه. یادمون نره که امام زمانم تنهاست و غریب. من باید از حریمش دفاع کنم.

ما دوست داریم از تجربه های شما استفاده کنیم. برای همین از شما می خواهیم هر تعدادی رو که موفق شدید تبلیغ کنید یعنی از امام زمانتان حرف بزنید برای ما ایمیل کنید. اگر موضوع جالبی پیش آمد حتی موقعیتی که خیلی دوست داشتید برای ما تعریف کنید. حتی اگر مشکلی پیش اومد یا اگر موقعیتی پیش آمد اما چیزی به ذهنتان نرسید با همان ایمیل از ما بپرسید ما پاسخ می دهیم. ما تجربه های خودمون و تجربه های دوستان مثل شما رو هم می تونیم از همین طریق به شما ارائه بدیم.

Ghasedak313@yahoo.com

برای اینکه مثال هایی داشته باشید و تجربه به دست بیارید، ما همین امروز و همین جا بعد از برنامه میز در قالب مسابقه و با کمک شما نمونه هایی اجرا می کنیم که شما از الان می تونید فکر کنید در جایگاهی که دارید در موقعیت های مختلف در جامعه چطور می تونید تبلیغ کنید.

در پایان یادمون باشه: اگر کسی بخواهد کاری رو انجام بده می گرده و راهش رو پیدا می کنه و اگه نخواهد بهانه اش رو!

بیینیم ما خودمون رو در کدام گروه قرار می دهیم؟!